

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۱ اگست ۲۰۱۸

عزاداری "طلوع" به خاطر غروب "اتمر"

پنجشنبه- ۰۸ سنبله ۱۳۹۷ - کابل: برای تهیه مطلب امروز مجبور نبودم تا زیاد اینطرف و آنطرف از بین مردم گرفته تا رسانه ها را جست و جو نمایم، چون از قبل می دانستم که تلویزیون طلوع در نظر دارد تا به ساعت ۶ و ۳۰ عصر برنامه "پرس و پال" را به بررسی عملکرد و دلایل استعفای "حنیف اتمر" و عواقب آن اختصاص دهد. در ساعت معین هزار کار هول را گذاشته، خلاف همیشه که بعد از شنیدن اخبار تلویزیون به اهل خانه تعلق می گیرد از تحکم مرد سالارانه کار گرفته، آن برنامه را با دقت تعقیب نمودم. هر چند با تأسف چیزی زیادی نیافتم تا به درکم از قضیه کمی نموده بتواند و اکثر آنهایی که از دلایل استعفای "حنیف اتمر" یاد می کردند با تأسف درک شان از همان محدوده آغاز هفته این قلم نیز تجاوز نمی کرد، با آنهم تذکر چند نکته به ارتباط این برنامه، خالی از مفاد نخواهد بود:

- ۱- تلویزیون طلوع در عمل با تهیه و پخش این برنامه نشان داد که علایق بین آن تلویزیون و شخص "حنیف اتمر" کمتر از علاقه مجنون به لیلی نیست. علاقه دیوانه واری که هر حرکت لیلی برای مجنون کمال مطلوب شمرده شده حتی وقتی کسی خواست بر حسن لیلی خرده بگیرد، مجنون عاشقانه گفت، چشم مجنون نداری و رنه چنین قضاوت نمی کردی. به اساس برنامه، حنیف اتمر همان لیلی و یوسفی بود که قیس به دنبالش کوه ها و صحرا ها را می پیمود و بعقوب در فراقش جهانیش را از دست داده بود.
- ۲- این که چنین رابطه ای در چنین عصر و زمانی که همه چیز تاریخ مصرف دارد از چه ناشی می شد و بر کدام پایه و مینا استوار است، از ما بهتران شاید بهتر بدانند.
- ۳- در برنامه با تمام آنهایی که به حیث آگاه و یا فعال سیاسی مصاحبه صورت گرفت، همه بدون استثناء چنان از نقش مهم و براننده اتمر در دولت دست نشانده به خصوص "باندارگ" یاد کردند و همه چیز را به وی منسوب دانستند که یک لحظه ترس برم داشت که نکند حال که او استعفاء نموده، این سقف لعنتی خانه ما فرو بریزد. از همین رو از جای برخاسته، با دست و مشت زدن به در و دیوار خود را مطمئن ساختم که فروریختنی نیستند.

و اما این که چرا چنین تبلیغات گسترده ای را به راه انداختند، گذشته از روابط آنچنانی بین "اتمر" و رسانه ها و پول هائی که به هزار و یک دلیل از وی دریافت می داشتند و گذشته از این که همه آنها نان خور یک دسترخوان یعنی دسترخوان امپریالیسم اند، می تواند نکات آتی نیز دخیل باشد:

الف- اینها با بزرگ ساختن و با بزرگ نمایش دادن نقش این فرد و یا آن فرد می خواهند در گام نخست، تمام تغییرات و تحولاتی را که در افغانستان رخ می دهد، چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی، آن را به شخص نسبت داده، سیستم و نظامی که آن فرد در درون آن عمل می نماید و آن سیستم چیزی نیست مگر سیستم مستعمراتی که امپریالیسم در افغانستان ایجاد نموده، از انظار بیوشانند.

ب- با تکیه بر نقش افراد و کتمان سیستم، به نحوی خواننده را به این فکر بیندازد که گویا افغانستان یک کشور مستقلی است که افراد خوب و یا بد می توانند در آن نقشی خاص و تعیین کننده خود را داشته باشند. به عبارت دیگر به نحوی استقلال افغانستان را در اذهان حفته نمایند.

پ- چون در تمام تحلیل ها فرد بدون پیوند با سیستم استعمار، مرکز ثقل کاینات شمرده می شود و نبودن آن فرد یک ضایعه به شمار می آید، در نتیجه از همین حالا با تعریف ازوی می خواهند جهت شکست های آینده پوچاق خربوزه نبودن "حنیف اتمر" را دلیل افتادن "غنی احمدزی" به شمار بیاورند.

ت- این ها نمی خواهند به مردم بگویند که سیستم استعماری به کارمندان پرورش یافته در دامان خود نیاز دارد، دیروز همین سیستم از بطن خود "حنیف اتمر" خادیسیت "ام. آی. ۶" شده را بیرون نمود و بر گرده مردم سوار کرد، امروز "محب" متولد در دامان "ام. آی. ۶" را به همین نقش انتخاب نموده است. علایق فردی آنها هر چه که باشد حق ندارند آن را در امور حیاتی خود دخیل بسازند حتا در انتخاب همبستر ناگزیراند سر بر بالین یک انگلیس و یا یک یهودی دختر بگذارند و به هیچ وجه اجازه و حق ندارند تا آن علایق شخصی را در کار شان دخالت دهند.

ث- با رفتن و آمدن مهره ها در صورتی که سیستم بر جای خودش باشد، کدام تغییری به وجود نمی آید. آنهایی که از بودن "اتمر" ناراض و عصبانی بودند باید اکنون نبودنش را به فرصت تبدیل نموده، بکوشند تا به عمر این جرثومه فساد یعنی دولت دست نشانده با تشدید مبارزان آزادیخواهانه شان نقطه پایان بگذارند.

سرکها می را می طلبد!!